

# نجات یوز در

## طبیعت یا اسارت

### (مصاحبه با دکتر اکبری)

دکتر حسن اکبری، دانش آموخته رشته محیط زیست، سال ها در استان یزد به عنوان کارشناس محیط طبیعی فعالیت کرده و در حال حاضر مدیر کل اداره محیط زیست خراسان جنوبی است.

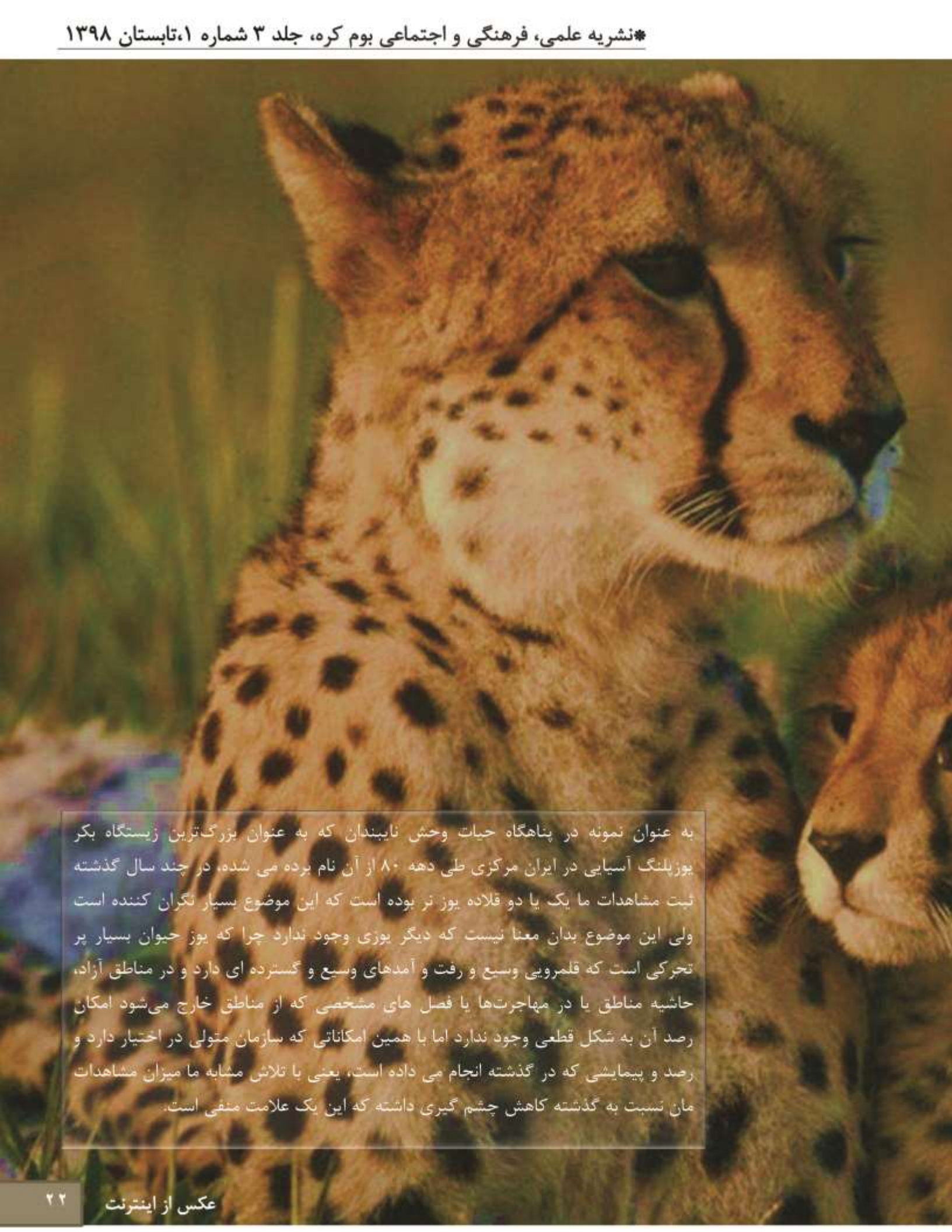


### وضعیت یوز در فلات مرکزی ایران

➤ آیا صحت دارد که در استان یزد فقط دو یوز باقی مانده است؟ اگر این خبر صحت دارد با این دو یوز باقی مانده چه باید کرد؟

در حوزه ایران مرکزی مسئله ای که ما مطمئناً بتوانیم آن را قضاوت کنیم و به عنوان یک ادعای علمی بتوان آن را اثبات کرد این است که روند مشاهدات یوز در حوزه ایران مرکزی به شدت افت و با کاهش جمعیت همراه بوده است. یعنی نسبت به دهه قبل میزان مشاهدات و ثبت رکوردها در حوزه ایران مرکزی به شدت کاهش داشته است و این مهم ترین سیگنالی است که ما را در مورد یوز نگران می کند ولی اینکه دقیقاً چند فرد یوز داریم، کار سختی است که با قطعیت آماری از وضعیت یوز را ارائه دهیم چرا که نیاز به امکانات و بررسی های گسترده دارد که علاوه بر اینکه کار دشواری است، با توجه به امکانات و اعتبارات و تجهیزات موجود میسر نیست؛ اما به طور کلی می توان این ادعا را داشت که در حوزه ایران مرکزی که شامل بخشی از استان اصفهان، بخش های قابل توجهی از استان یزد، بخشی از استان خراسان جنوبی و بخشی از استان کرمان است ما دچار کاهش جمعیت یوز بلنگ آسیایی شده ایم.





به عنوان نمونه در پناهگاه حیات وحش نایبندان که به عنوان بزرگ‌ترین زیستگاه بکر یوزپلنگ آسیایی در ایران مرکزی طی دهه ۸۰ از آن نام برده می‌شده، در چند سال گذشته ثبت مشاهدات ما یک یا دو قلابه یوز تر بوده است که این موضوع بسیار نگران کننده است ولی این موضوع بدان معنا نیست که دیگر یوزی وجود ندارد چرا که یوز حیوان بسیار پر تحرکی است که قلمرویی وسیع و رفت و آمدهای وسیع و گسترده ای دارد و در مناطق آزاد، حاشیه مناطق یا در مهاجرت‌ها یا فصل‌های مشخصی که از مناطق خارج می‌شود امکان رصد آن به شکل قطعی وجود ندارد اما با همین امکاناتی که سازمان متولی در اختیار دارد و رصد و پیمایشی که در گذشته انجام می‌داده است، یعنی با تلاش مشابه ما میزان مشاهدات مان نسبت به گذشته کاهش چشم‌گیری داشته که این یک علامت منفی است.





عکس از انجمن یوزپلنگ ایرانی

1/27/2012 4:09 PM

کارهای خوبی توسط دانشجویان و مراکز تحقیقاتی و محققان انجام شد و مقالات خوبی در این زمینه چاپ شد. حتی تکنولوژی دوربین‌های تله‌ای بیشتر با شکل گیری پروژه حفاظت یوز وارد ایران شد، همچنین نصب گردنبندهای ردیاب که اطلاعات را از طریق ماهواره‌ها برای ما ارسال می‌کردند در این مطالعات به کار گرفته شد. مجموع این تلاش‌ها که تلاش‌های بسیار ارزشمندی بود و حتی در شناخت حیات وحش و فرهنگ سازی در تمام حوزه‌های مناطق یوز خیز موثر بود اما کمک‌چندانی به روند بهبود جمعیت یوز در کشور نکرد و این یک مسئله مهم است، اگر ما بخواهیم به این تاریخچه نگاه کنیم به نظر می‌رسد که ما با تلاش برای حفاظت از یوز آسیایی در زیستگاه‌های گونه ممکن است نتوانیم گونه رو نجات بدهیم.

➤ به نظر شما چه راهکاری باید ارائه شود؟ حفظ زیستگاه یا تکثیر در اسارت؟

این فرآیند، فرآیند پیچیده‌ای است یعنی اینکه چرا یک گونه‌ای مثل یوزپلنگ آسیایی علیرغم توجه‌ای که به آن شد، تلاش‌هایی که در جهت حفاظت آن صورت گرفت، تمرکزی که بر روی حفظ این گونه و زیستگاه آن صورت گرفت همچنان با این سرعت به سمت کاهش جمعیت و انقراض پیش رفت. این مهم واقعاً یک سوال مهم است و جوابی چند وجهی دارد. وقتی به تاریخچه حفاظت برگردیم می‌بینیم که از اوایل دهه ۸۰ که توجهات بین‌المللی و داخلی به این گونه پررنگ‌تر شد ابتدا به ثبت رکوردها و اثبات حضور یوز در مناطق مختلف به عبارتی تعیین زیستگاه‌های قطعی حضور یوز پرداخته شد بعد از آن به مسائلی همچون آموزش و فرهنگ‌سازی در زیستگاه‌ها پرداخته شد و همچنان کارهای حفاظتی در زیستگاه‌ها تقویت شد و در ادامه



معادن، دامداری و مخصوصاً آن دسته از فعالیت‌هایی که در خارج از مناطق چهارگانه قرار می‌گیرند چون در اختیار سازمان محیط زیست نیست و سازمان محیط زیست آنچنان نقشی در مدیریت این نوع فعالیت‌ها ندارد بنابراین تلاش‌های حفاظتی دستگاه متولی حیات وحش در مورد یوزپلنگ آسیایی ممکن است در این شرایط دیگر جواب گو نباشد در چنین شرایطی با لحاظ پیچیدگی مسئله و جمعیت پایه بسیار ضعیف یوز و تقریباً بی نتیجه ماندن تلاش‌های حفاظتی یوز در نزدیک به دو دهه اخیر و تمرکز سازمان محیط زیست بر روی یوزپلنگ و جواب نگرفتن از این تمرکز، به نظر می‌آید به عنوان آخرین راه حل گزینه‌هایی مثل تکثیر در شرایط نیمه طبیعی می‌تواند برای نجات جمعیت این گونه مفید باشد البته برای انجام این پیشنهاد هم باید به نظر بنده زودتر شروع می‌کردیم. این گزینه در سال ۹۳ توسط چندین گروه کارشناس پیشنهاد شد و توسط سازمان هم چندین دوره این پیشنهاد بررسی شد مشکلاتی در این راستا وجود دارد، بعضی کارشناسان معتقدند این پیشنهاد توجیح فنی ندارد، بعضی‌ها معتقدند چون این کار بسیار هزینه بر است ممکن است ما نتوانیم از عهده هزینه‌های آن برباییم، بعضی‌ها معتقدند تعیین مولد برای اون مرکز تکثیر در شرایط نیمه طبیعی کار دشواری است و هزاران سوال دیگر که پیش پای این فعالیت وجود دارد.

ممکن است هر چقدر در حفظ زیستگاه تلاش‌های موثر انجام دهیم از آنجایی که جمعیت پایه‌ای به شدت کم شده و از طرف دیگر کاهش جمعیت یوز یک پدیده تقریباً پیچیده‌ای است که ابعاد مختلفی دارد و بعضی از ابعادش در اختیار سازمان متولی حفظ حیات وحش در کشور نیست برای همین ممکن است این حفاظت‌ها حتی در شرایط مطلوب جواب ندهد، به هر حال بخش محدودی از مناطق کشور مستقیماً تحت مدیریت سازمان محیط زیست است که در قالب مناطق چهارگانه است که وسعت آن‌ها در کل کشور خیلی زیاد نیست در حالی که یوزپلنگ گونه‌ای است با قلمروی بسیار وسیع و رفت و آمدهای بسیار گسترده. قطعاً از مناطق حفاظت شده خارج می‌شود و در مناطق آزاد با انواع خطرات مواجه است.

متأسفانه عمده زیستگاه‌های یوز مخصوصاً در ایران مرکزی مناطق معدن خیزی هستند وقتی یوزپلنگ از مناطق تحت حفاظت سازمان محیط زیست خارج می‌شود با حضور انسان، فعالیت‌های انسانی، معدنکاران، دامداران، سگ‌های گله و مهم‌تر از همه با جاده‌هایی که در مناطق مرکزی ایران رفت و آمد نسبتاً زیادی دارند و جاده‌های کویری که در محدوده‌های قلمروی یوز عبور کردند جمعیت یوز رو به خطر می‌اندازد با این همه خطراتی که وجود دارد و بسیاری از آن‌ها مثل جاده‌ها،





البته تکثیر در شرایط نیمه طبیعی تفاوت‌هایی با تکثیر در اسارت دارد، تکثیر در اسارت مثل آن چیزی که ما در مورد علف خواران اجرا می‌کنیم خیلی راحت تر است و این تکثیر در یک شرایط کاملا کنترل شده و محصور انجام می‌شود اما آن چیزی که سال ۹۳ پیشنهاد شد و به اعتقاد من می‌تواند گزینه بهتری نسبت به تکثیر در اسارت باشد، تکثیر در شرایط نیمه طبیعی است. یعنی ما یک محدوده وسیعی را در یک از زیستگاه‌های منتخب یوز داشته باشیم، محدوده‌ای که حداقل بالای پنجاه هزار هکتار باشد و در این محدوده طعمه‌های طبیعی یوز مثل جبیر یا آهو، قوچ و میش، خرگوش و ... به شکل طبیعی داشته باشیم. اگر نیاز بود این گونه‌ها را به شکل مصنوعی تکثیر کنیم و جمعیت آن‌ها را افزایش دهیم و در این محدوده وسیع یوز را نگهداری کنیم.

در حقیقت در چنین تکثیری ما فقط اجازه خروج یوز از این زیستگاه رو نمی‌دهیم و بنابراین یوز با خطراتی مثل تصادفات جاده‌ای، تعقیب شدن توسط سگ‌های گله، کم غذا شدن در خارج از مناطق چهارگانه مواجه نمی‌شود و هیچ تغییری در نوع زندگی یوز به غیر از محدود کردن مهاجرت‌ها و جابجایی‌ها ایجاد نمی‌شود و اگر در این شرایط یوز تکثیر شود، برگشت این گونه به طبیعت کار بسیار راحت تری است تا اینکه در اسارت تکثیر شود و بعد ما برنامه‌ای برای بازگردانی آن در طبیعت داشته باشیم.



## ➤ وضعیت زیستگاه‌های یوز در خراسان جنوبی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همانطور که عرض کردم پناه گاه حیات وحش ناپبندان که تقریباً بهترین و بزرگ‌ترین زیستگاه یوز آسیایی در ایران مرکزی است همچنان به لحاظ حفاظتی در نقطه تمرکز مدیریت قرار دارد وضعیت طعمه‌ای آن مخصوصاً قوچ و میش و خرگوش در وضعیت خوبی است ولی نکته‌ای که وجود دارد مثل بقیه مناطق ایران مرکزی میزان ثبت مشاهدات یوز بسیار کم شده و در سال جاری ما فقط چند مورد محدود مشاهده مستقیم و ثبت نمایه‌ها را داشتیم و البته چون امسال از دوزین تله‌ای استفاده نکردیم، تصویر مستقیمی از یوز نداشتیم ولی روند مشاهداتمان خیلی ناچیز و به چند مورد محدود می‌شود. تصور می‌شود که مثل باقی مناطق ایران مرکزی که غالباً از یک یا دو فرد یوز تر صحبت می‌شود، ناپبندان نیز در شرایط مشابه باشد و تلاشی که امسال برای ثبت توله یا یک خانواده یوز انجام شده تا به حال به نتایج قابل قبولی نرسیده است.

## ➤ بنظر شما مهم‌ترین تهدید یوز در ایران در این دو دهه اخیر چی بوده؟

اولویت بندی تهدیدات و بیان اینکه مهم‌ترین تهدید یوز چه چیزی بوده است در هر زیستگاه بستگی به نوع زیستگاه طبعاً متفاوت بوده و مطالعات خاص خودش را می‌طلبد. اما در مناطق مختلف نتایجی به دست آمده مثلاً در منطقه‌ی کالمند بهادران در دهه هشتاد مهم‌ترین تهدید جاده‌ها بودند در حدود کیلومتر ۳۵ تا ۷۰ محور مهریز - انار در جاده یزد - کرمان در ظرف کمتر از یک دهه حدود ۶ قلاده یوز را در اثر تلفات جاده‌ای از دست دادیم که این عدد به نسبت جمعیت یوز عدد بالایی است یا حتی در پناهگاه حیات وحش دره انجیر در اوایل دهه ۹۰ ما تلفات جاده‌ای در محور یزد - مشهد داشتیم. به نظر می‌رسد حوادث جاده‌ای نقش مهمی را در کاهش جمعیت یوز داشته اند و از طرف دیگر دستکاری زیستگاه‌های بکر این

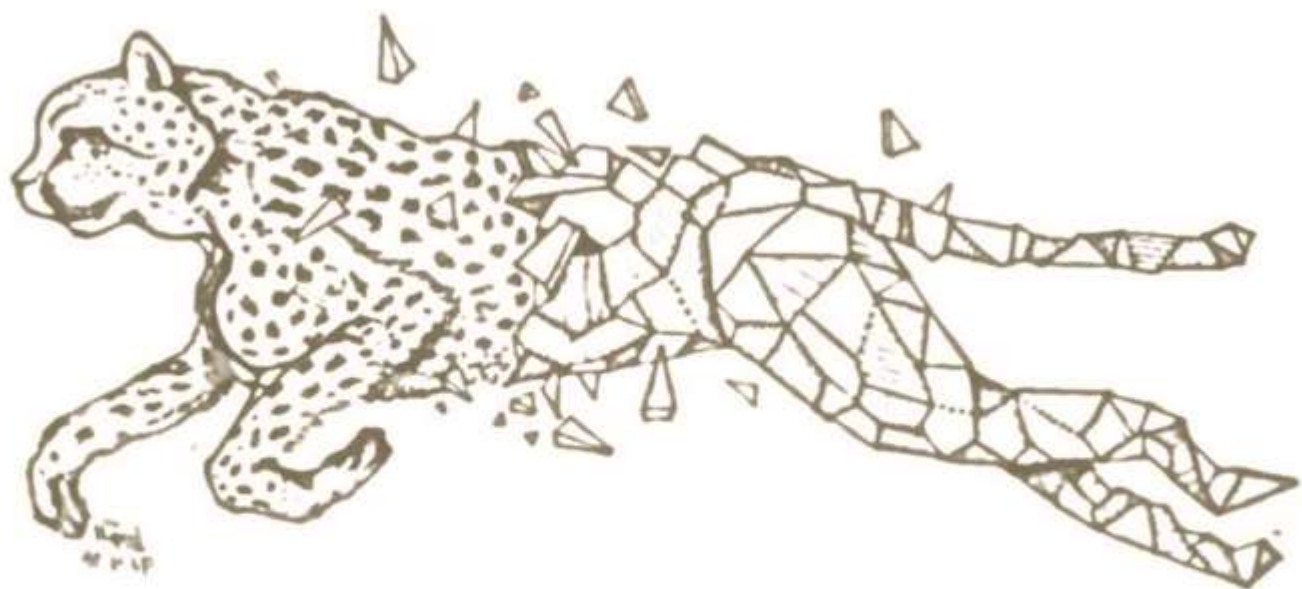
گونه در اثر فعالیت‌های معدنی در حوزه ایران مرکزی چالش بسیار مهمی است. بسیاری از مناطق زیستگاه یوزپلنگ در حوزه ایران مرکزی قبل از دهه هشتاد در معرض عموم قرار نداشت و کسی نمی‌توانست راحت به آن زیستگاه‌ها نفوذ کند و بخش زیادی از زیستگاه‌ها، مناطق دور از دسترس و صعب العبوری بوده‌اند که استثنائاً بعضی از مناطق آن ممکن بود توسط افراد خیلی خاص و محدودی دسترس پذیر باشد. در حالی که کاوش‌های معدنی باعث شد که به بخش‌های زیادی از زیستگاه‌ها در مناطق آزاد جاده ایجاد شود و دسترسی به بسیاری از این زیستگاه‌ها به راحتی انجام شود. وقتی این دسترسی زیاد می‌شود افراد مختلف به بهانه‌های مختلف مثل بهانه گردش، شکارچیان برای اهداف خودشان و یا معدنکاران برای جست و جوی معدن و... پا به مناطق می‌گذارند. این افزایش دسترسی انسان به مناطق بکر موجب شد که یک گونه حساس مثل گونه یوزپلنگ آسیایی با مشکل مواجه شده و مجبور به ترک زیستگاه شود و یا رفت و آمد بین زیستگاه‌های آن زیاد شود. از طرفی دسترسی انسان به زیستگاه‌ها باعث شد طعمه‌های یوز هم در این مناطق کم شود. یعنی زیستگاهی که قبلاً به دلیل عدم دسترسی انسان توانسته بود جمعیت قابل قبولی از طعمه‌های یوزپلنگ را داشته باشد، به علت حضور انسان این جمعیت را از دست داده است. در برخی از زیستگاه‌ها نیز دام و سگ‌های گله چالش بزرگی بوجود آورده‌اند. بنابراین این فرایند کاهش جمعیت یوز در کشور یک معادله‌ی چند وجهی بود که پارامترهای موثر متعددی مثل جاده‌ها، دام، معدنکاری، شکارچیان و... این موارد همگی در کاهش جمعیت یوز نقش داشتند. و هر جایی این نقش کم و زیاد می‌شد و شاید حل کردن یک چنین معادله‌ای کار سختی بود از طرف دیگر وجوه مختلف این معادله در اختیار یک یا دو دستگاه نبود به همین دلیل بود که این معادله تقریباً حل نشد و همچنان ما سیر نزولی جمعیت یوز در کشور را شاهد هستیم.





➤ بنظر شما در این دو دهه حفاظت درست انجام شد و یک سری عواملی که دست ما نبود جمعیت یوز را کاهش داد یا اینکه اون اقداماتی که باید در این دو دهه انجام میشد درست انجام نشد؟

حفاظت در این دو دهه ایده آل نبود ولی اگر عوامل دیگر دخیل نمی شدند همین میزان حفاظت هم منجر به نجات یوز می شد. طبیعی است که در همین زیستگاهها هم مدیریتها و حفاظتها بالا و پایین داشته اند و در یک مقطعی ضعیف شده و در یک مقطع خوب بوده اند اما وقتی در مجموع شرایط این زیستگاهها را بررسی می کنیم، ما در این مناطق نسبتاً وضعیت طعمه هایمان و وضعیت حفاظت مان به مراتب از زیستگاههای دیگر بهتر بوده است و اگر عوامل دیگر دخیل نمی شد این اتفاق برای یوز نمی افتاد.





➤ بنظر شما آیا امیدی به حفظ یوز در ایران هست؟

بهرحال به عنوان یک مدیر اجرایی سازمان محیط زیست نمی توانم بگویم که امیدی نیست بالاخره باید با امید زندگی کنیم و این امید کمک می کند به تلاش بیشتر اما نباید به این مسئله خوش بینانه نگاه کنیم. نجات یوز کار بسیار سختی است و امیدواریم که به لطف خدا با کمک طبیعت از طریق افزایش ترسالی ها، افزایش طعمه و مهم تر از آن جامعه و مردم محلی بتوانیم یوز را حفظ کنیم. همچنین امیدواریم مسئولین خیلی پیگیرتر از گذشته برای حفظ یوز آسیایی و نجات آن کمک کنند. و سازمان محیط زیست نیز بتواند تصمیمات جسورانه تری را نسبت به این موضوع بگیرد ولی فقط می توانم بگویم نباید خوش بینانه به این مسئله نگاه کرد و راه بسیار دشواری در پیش رو داریم.







عکس از انجمن یوزپلنگ ایرانی

➤ بنظر شما آیا امیدی به حفظ یوز در ایران هست؟

بهرحال به عنوان یک مدیر اجرایی سازمان محیط زیست نمی‌توانم بگویم که امیدی نیست بالاخره باید با امید زندگی کنیم و این امید کمک می‌کند به تلاش بیشتر اما نباید به این مسئله خوش بینانه نگاه کنیم. نجات یوز کار بسیار بسیار سختی است و انشالله که با کمک طبیعت از طریق افزایش ترسالی‌ها و افزایش طعمه و مهم‌تر از آن جامعه و مردم محلی و مسئولین خیلی پیگیر تر از گذشته برای حفظ یوز آسیایی و نجات اون پای کار بیایند. و هم سازمان محیط زیست بتواند تصمیمات جسورانه‌تری را نسبت به این موضوع بگیرد ولی فقط می‌توانم بگویم نباید خوش بینانه به این مسئله نگاه کرد و کار بسیار دشواری است.

➤ بنظر شما در این دو دهه حفاظت درست انجام شد و یک سری عواملی که دست ما نبود جمعیت یوز را کاهش داد یا اینکه اون اقداماتی که باید در این دو دهه انجام میشد درست انجام نشد؟

حفاظت در این دو دهه ایده‌آل نبود ولی اگر عوامل دیگر دخیل نمی‌شدند همین میزان حفاظت هم منجر به نجات یوز می‌شد. طبیعی است که در همین زیستگاه‌ها هم مدیریت‌ها و حفاظت‌ها بالا پایین داشته اند و در یک مقطعی ضعیف شده و در یک مقطع خوب بوده منتهی وقتی در مجموع شرایط این زیستگاه‌ها را نگاه می‌کنیم ما در این مناطق نسبتاً وضعیت طعمه هایمان و وضعیت حفاظت مان به مراتب از زیستگاه‌های دیگه بهتر بوده و اگر عوامل دیگر دخیل نمی‌شد این اتفاق برای یوز نمی‌افتاد.